اخبار اخیره ایران

حساب معلوم شده که سرمایهای انگلیسی که برای ساختن راههای آهن‏ و آبیاری و غیره در هندوستان بمصرف رسیده معادل است با پانصد ملیون‏ لیرهء انگلیسی و منفعت این مبلغ را هر ساله ملّت هند باید از قرار صدی‏ پنج بپردازد و خود این یک قلم که سالیانه 25 ملیون لیره(قریب 150 ملیون تومان)میشود از کیسهء هندیها بلکّی بیرون میرود.از طرف دیگر حقوقی که سالیانه از پول هند بجیب مأمورین حکومتی و نظانی انگلیسی‏ میرود کمتر از 5 ملیون لیره نمیشود.از این قرار علاوه بر مبالغ هنگفتی‏ که از تجارت هند عاید انگلستان میگردد فقط از دو قلم فوق منظّما سالی‏ 30 ملیون لیره(قریب 360 کرور تومان)از پول هند را نهنگ انگلیس‏ بلع مینماید.از طرف دیگر تنها مالیّات مستقیمی که انگلیسها از دهاقین‏ میگیرند 50 درصد قیمت محصولات زمینی است بعلاوهء مالیاتهای محلّی‏ و مختلف دیگر.بطوریکه میتوان گفت که رویهمرفته صدی هفتاد و پنج از محصولات هند بصورت مالیّات عاید انگلیسها میگردد.و این فقره باعث‏ تعجّب خیلی از ماها خواهد شد چه ما می‏بینیم که مالیّات صدی پنج که ما در انگلستان باسم«مالیّات عایدات‏1»می‏پردازیم باعث چقدر سر و صداها و شکایتهاست با آنکه این مالیّات صدی پنج از عایدات خالص یعنی دخل‏ خالص خرج دررفته است.در صورتیکه در هند مالیّات صدی 75 از اصل عین خود محصول زمین است بدون وضع مخارج!و باعث فقر و مسکنتی که ملّت هندوستان را بدون هیچگونه امید رستگاری روز بروز بهلاکت نزدیکتر مینماید همین مسئلهء مالیّاتهای بیرون از اندازه است لاغیر». کاش در عوض این همه منافعی که انگلیسها بیش از سیصد سال است‏ از هندوستان میبرند اقلاّ یک اندازه دلسوختگی دربارهء تعلیم و تربیت‏ اولاد آن مملکت مینمودند و تا یکدرجه لذّت ترقیّات علم و تمدّن عصر حاضر را بآنها میچشانیدند.ولی بدبختانه در یک چنین مملکتی که فقط از مالیّات نمک سالیانه قریب 18 ملیون تومان عاید حکومت میگردد بودجهء معارف بیش از 4 تا 5 ملیون تومان نمیشود و از این مبلغ نیز باز یک‏ سهم مهمّی بجیب خود انگلیسها میرود.و ترتیب تعلیم و تعلّم هم باندازهء عالما عامدا بی‏اساس و درهم بنا نهاده شده است که لاردکرزن‏2مشهور که از سال 1317 تا 1323 نایب السّلطنه هند بود میگوید که«ما انگلیسها در هند با معلّمین ناقص تعلیمی ناقص برعایای ناقص خود میدهیم و نتایج این‏ تعلیم نیز بالکلّ ناقص است و با جرئت تمام و بدون آنکه هیچکس با عقیدهء من مخالف باشد میگویم که ما دربارهء تعلیم در هند باقصی درجه مقصّریم». برعکس هرچه بودجهء معارف سبک است بودجهء نظام سنگین و کمر شکن است و سالیانه بیشتر از 120 ملیون تومان میشود(در سال 1331 بطور تحقیق معادل با 000‘188‘306 روپیه بوده که تقریبا صد و بیست‏ و دو ملیون و نیم تومان باشد)در صورتیکه ملّت هند از این نظام هیچ فایدهء که نمیبرد سهل است مضارّ فوق العاده نیز متحمّل میشود.چنانکه در موقع جنگ کنونی این مسئله بخوبی آشکار گردید که چگونه انگلیسها هندیان‏ بیچاره را بزور از خانه و اولاد و وطن خود جدا کرده و درمیدانهای جنگ‏ اروپا و آسیا فدای حرص و طمع مینمایند.بدبختانه در اینگونه‏ مقاله‏های جراید بیش از این از مظالم انگلیسها در هند و فلاکت هندیان‏ نمی‏توان گنجانید.و الاّ اگر بخواهیم بتفصیل از نتایج وخیمهء تسلّط انگلیسها در هند از قبیل تخریب صنایع بومی،افساد اخلاق عمومی،سستی بنیان‏ ملیّت و تدین فقدان مساوات و بیطرفی در محاکمات بین فرنگی و بومی،عدم‏ استخدام بومیان در کارهای کشوری و لشکری و غیره و غیره سخن برانیم‏ مثنوی هفتاد من کاغذ شود.بالأخره مقالهء خود را بشهادت یک نفر انگلیسی‏ باانصاف در خصوص وضع حکومت انگلیس در هند ختم میکنیم.انگلیسی‏ مزبور موسرم به هایندمن‏1میگوید:«هندوستان روزبروز ضعیف‏تر میگردد.تسلّط ما انگلیسها برگ و ریشهء تشکیلات اساسی هند سرایت‏ کرده و خون این مملکت آهسته‏آهسته ولی هر روز بمقداری زیادتر از بدن آن خارج میشود».

شاهرخ

اخبار اخیرهء ایران

اخیرا در حوالی بیجار جنگهای متعدّد بین قشون عثمانی و ملّیون ایران‏ از یک طرف و قشون روس از طرف دیگر دست داده است.در 28 ذی‏ الحجّة قشون روس بیجار را تصرّف کرده بودند ولی در آخر همان ماه‏ بعد از یک جنگ بسیار سختی بین فریقین که بفتح و ظفر قشون اسلام‏ منتهی شد مجدّدا قصبهء بیجار بدست عثمانیان و ایرانیان افتاد.روسها در جنگ شکست فاحشی خورده با کمال بی‏نظمی فرار کردند و بعلاوهء عدّهء کثیر از مقتول و مجروح که در میدان جنگ گذاردند 120 نفر اسیر غیر مجروح که از جمله فرمانده یک کمپانی بود با یک مقدار کثیری تفنگ‏ و سایر آلات حربیّه بدست قشون اسلام افتاد.در میان مقتولین روس‏ اجساد چند نفر صاحب‏منصب نیز دیده میشد.

در حوالی سقّز از اواخر ماه ذی الحجّة تا بحال چندین مرتبه جنگ‏ بین روسها و قشون عثمانی و ملّیون ایرانی دست داده است.

از قرار اخبار جراید در اصفهان بختیاریان و جناب حاج آقا نور اللّه‏ اعلان جنگ بروسها کرده‏اند.

در شمارهء سابق یکی از تأثیرات غیر مترقّبهء پیشرفت قشون عثمانی را در ایران تعطیل«موقّتی»روزنامهء اطّلاعات شمردیم.اینک روزنامهء «رعد»که طرفدار متّفقین بود نیز در یک اخطاریّهء در آخرین شمارهء سال سوّم تعطیل«موقتی»خود را بقارئین اعلام میدارد.

امّا اوضاع سیاسی ایران در ماه شوّال در اواخر صدارت سپهسالار اعظم(ولی خان نصرالسّلطنه معروف بسپهدار)دولتین انگلیس و روس‏ بنای یک طرح تازهء در ایران ریخته بودند و بدان وسیله در صدد بودند که قسمت عمدهء از بقیّهء استقلال ملّی ایران را نیز از میان برده و دست‏ بصرّف و تحکّم خود را در آن مملکت درازتر گردانند.اصل مقصودشان‏ عبارت بود از اینکه مالیّه و قوای جنگی ایران را نیز کاملا در تحت اختیار خود درآورده و بکلّی حقوق حکمرانی ایران را پایمال سازند.بنابرین‏ دولتین معا برئیس الوزرای ایران سپهسالار اعظم پیشنهاد نمودند که یک‏ هیئت مختلفی مرکّب از مأمورین روسی و انگلیسی و بلژیکی و ایرانی در مالیّهء ایران و جمع و خرج آن از هز حیث نظارت تامّه داشته باشد و بموجب‏ یک قرارداد جداگانه مشتمل بر فسول متعدّده مداخلهء این هیئت را در کلّیهء امور مالیّه که عبارت از اخذ مالیّات و صرف آن باشد شرط نمودند. در خصوص امور نظامی هم تکلیف کردند که دو قشون ایرانی یازده‏ هزار نفری تشکیل شود یکی در ولایات جنوبی ایران و یکی در ولایات‏ شمالی.قشون که در جنوب تشکیل خواهد شد در زیر اداره و فرمان‏ صاحب‏منصبان روسی خواهد بود و مخارج آنرا نیز تا آخر جنگ‏ فرنگستان دولت انگلیس خواهد پرداخت و قشون شمالی در زیر اداره‏ و فرمان صاحب‏منصبان بوسی خواهد بود و مخارج آنرا تا آخر جنگ‏ فرنگستان دولت روسیّه متکفّل خواهد شد.دولت روسیّه مایل بود که‏ در خصوص قشون شمالی همان بریگاد معروف قزّاقخانهء ایرانی را تا یازده هزار نفر توسعه دهد.

دو دولت همجوار برای پیشرفت این مقاصد متوسّل بتدابیر معمولی‏ خویش گشته و در ضمن بنای تهدید نسبت بدولت ایران نهادند که اگر پیشنهاد مزبور ردّ شود«در لندن و پترسبورگ تأثیرات بد خواهد داشت»و نتایج آن برای ایران وخیم خواهد بود.

سپهسالار هم در تحت فشار تهدید و اجبار در ششم شوّال گذشته‏ شخصا یک جواب بی‏سر و بنی پیشنهاد حضرات میدهد و ایشان این‏ جواب شخصی را بمعنی قبول مقاصد خویش از طرف دولت ایران‏ تلقّی نموده و با عجلهء هرچه تمامتر شروع بعملیّات میکنند.از طرف دیگر نیز در دنیا منتشر مینمایند که قراردادی بمضامین فوق مابین دولتین روس‏ و انگلیس و ایران بسته شد.

انتشار این اخبار باعث شد که افکار عامّه سخت بهیجان آمد.مردم‏ ایران از اینکه دیدند باقی ماندهء استقلال ایران نیز دارد باین سرسریها از میان میرود برآشفته و نمایشهای ملّی دادند و هیئت وزرای ایران برافتاد و وثوق الدّوله بمسند صدارت رسید.و همانوقت فورا دولت انگلیس بتوسّط یک مراسلهء رسمی سیر پرسی‏سایکس را که سابقا قنسول انگلیس در کرمان‏ و بعد در مشهد بود و از چندی ببعد در جنوب ایران مشغول ترتیبات قشونی‏ بود بریاست قشون جنوبی ایران معرّفی نمود.روسها هم بلا تأخیر مشغول‏ توسیع دائرهء قزّاقخانه در اصفهان و سایر نقاط گردیدند.

اگرچه این پیش‏آمدها یک صدمهء باستقلال ملّی ایران بود و لکن‏ روزنامهای روسی بآن رنگ دیگری داده و بیرون از انداره بزرگ‏ بقلم دادند.چنانکه«نواویه‏ورمیا»و«روسکویه‏اسلوو»صریحا از زوال‏ استقلال ایران صحبت نموده و حتّی«نواویه‏ورمیا»در پایان مقالهء خود در این خصوص نوشت که«جای بسی امتنان است که دولت ایران بمیل‏ و حسن رضای خود حمایت دولتین روس و انگلیس را پذیرفت».دولت‏ ایران بمحض اطّلاع از انتشارات فوق فورا بتوسّط سفرای خود در لندن و پترسبورگ تکذیب رسمی از اینگونه مطالب نمود و اینک تمام جدّ و جهد خود را مصروف میدارد که تا حدّ مقدور از نتایج مضرّهء این صدمهء عظیم جلوگیری کند.

اوّلین روز استقلال لهستان‏ در ورشو

در موقع تشریفات رسمی برای قرائت فرمان استقلال لهستان از طرف فوی‏بزلر1حاکم کلّ لهستان تمام انجمنهای مختلفهء شهر ورشو و هیئتهای‏ محصّلین و شاگردان مدارس و سربازان فوج لهستانی در قشون آلمان با بیرقهای‏ وطنی خود در قصر بلودر حضور بهمرسانیدند.نمایندگان مذاهب‏ مختلفه«وسنا»و دارالفنون و مدارس عالی و هیئت قضا و اولیای امور شهر و ایالت ورشو و مجامع علمی و صنعتی و باقی‏ماندگان سربازان شورش ملّی‏ سنهء 1280 هجری نیز حاضر بودند.و از جملهء مدعوّین محترم خلیفهء کاتولیک ورشو کاکووسکی‏2و شاهزاده لوبومبرسکی‏3رئیس شهر و دکتر بروچنسکی‏4مدیر دارالفنون و کنت‏شوپتیچکی‏5فرمانده دستجات لهستانی‏ در قشون آلمان بودند.

ظهر درست حاکم کلّ برخاسته فرمان را از دست پیشکار خود گرفته‏ با صدائی بلند و رسا و تأثّرآمیز آنرا قرائت نمود در حالتی که سکوت و خموشی‏ مطلق در تمام تالار و اطراف فرمانفرما بود.

پس از اتمام قرائت متن پولونی فرمان را به کنت‏هوتن‏چاپسکی‏6 داده و کنت مزبور نیز یکدفهء دیگر آنرا بزبان پولونی قرائت نمود.در اینموقع صدای دست زدن از هر جانب بلند شد و مدّتها طول کشید.پس‏ از آن مدیر دارالفنون نطقی نمود حاکی از تشکّر و امتنان از قیصر آلمان‏ و امپراطور اتریش و نطق خود را با فریاد زنده‏باد لهستان آزاد و مستقلّ خاتمه داد. آنگاه حاکم کلّ نطق مهیّجی نمود و از جمله گفت«خاطر ملّت لهستان‏ دیگر از بابت سرنوشت وطن خویش تشویق و اندیشهء نخواهد داشت‏ و حالا دیگر باید هر جه زودتر ملّت لهستان بادارهء سلطنت ملّی خود بپردازد».پس از این نطق موزیک سرود قدیم ملّی لهستان را«خدا که اینگونه لهستانرا حمایت کرده است»نواخت و هم در این لحظه بیرق‏ ملّی لهستان بر فراز برج و تمام زوایای قصر افراشته گردید.و وقتیکه‏ صدای سرود ملّی که در تمام مدّت طویل تسلّط روسها خواندن آن بکلّی‏ غدغن بود بگوش جمعیّتی که در خارج قصر گرد آمده بودند میرسد چندین‏ هزار نفر دفعة سرها را برسم احترام برهنه نموده و با موزیک هم‏آواز شده بنای خواندن سرود را میگذارند.نمایشهای فرح و شادمانی تا نیمهء شب طول میکشد.

(1) Von Beseler

(2) Kakowski

(3) Lubomirski

(4) Brudzynski

(5) Szoptyeki

(6) Hutten-Czspski